انترناسیونال ۶۶۹

از ما میپرسند:

چرا با اعدام مخالفید؟ جایگاه مبارزه علیه اعدام در جمهوری اسلامی چیست؟

|  |
| --- |
| حمید تقوائی پاسخ می دهد: ما با اعدام به هر دلیلی و در هر جا مخالف هستیم. از نظر ما اعدام یک کیفر و مجازات نیست بلکه یک جنایت است. نه تنها از نظر سیاسی بلکه از نظر انسانی و حقوقی و قضائی اعدام قابل توجیه و قابل دفاع نیست و باید مانند بسیاری دیگر از بروزات توحش در جوامع طبقاتی به موزه سپرده شود. اگر هدف از مجازات را اصلاح فرد مجرم و مصون داشتن جامعه بدانیم و نه انتقام و قصاص و مقابله به مثل، آنوقت روشن میشود که در سیستم قضائی جوامع متمدن اعدام هیچ جائی نباید داشته باشد. اعدام راه حل و پاسخ هیچ چیز نیست، بلکه خود یک بلیه اجتماعی است که باید از پیکر جامعه زدوده شود. در تجربه هم میبینیم که آمار میزان جنایت در کشورهائی نظیر ایالات متحده که اعدام در بعضی از ایالات آن وجود دارد نه تنها کاهش نیافته بلکه بیشتر از جوامع اروپائی است که اعدام در آنها لغو شده است.  گذشته از این جنبه های سیاسی و قضائی، از لحاظ انسانی نیز اعدام خنجری به پیکر جوامع انسانی است. نفس برسمیت شناخته شدن اعدام به عنوان یک عمل مجاز قانونی و دولتی، جان انسانها، انسانیت و حرمت انسانی را در هر جامعه ای کم ارزش و بیمقدار میکند و به این معنی در یک سطح وسیع اجتماعی راه را برای قتلهای غیر دولتی نیز باز میکند. وقتی قوه قضائیه و هیات ژوری و دادستان و وکیل مدافع مدتها دور هم می نشینند و بر سر گرفتن جان یک انسان بحث و مشورت و تبادل نظر میکنند و بالاخره در کمال خونسردی به این نتیجه می رسند که انسانی را باید کشت در واقع به همراه حکم اعدام، حکم بی ارزش بودن حیات و حرمت زندگی را هم صادر میکنند. اگر دولت میتواند بکشد، هر فرد دیگری هم میتواند. اینکه قاضی یا هیات ژوری از نظر قانونی حق دارند حکم اعدام صادر کنند و اعضای جامعه حق ندارند فرق ماهوی در مساله ایجاد نمیکند. این صرفا یک تفاوت حقوقی و قراردادی است. با برسمیت شناسی اعدام، نفس قتل مجاز شمرده شده و قبح و توحشی که در این آدمکشی دولتی هست پوشانده شده است. در چنین جامعه ای قتل و نابودی انسانها به شیوه های دیگر هم سهل تر صورت میگیرد. به همه این دلایل است که ما اعدام را در هر شرایطی یک جنایت میدانیم و من فکر میکنم اکثر مردم ایران نیز در این مورد با حزب ما هم نظر هستند.  اما در مورد جمهوری اسلامی مساله بسیار فجیع تر و وحشیانه تر از دیگر جوامع است. جمهوری اسلامی حکومتی است که با اعدام خود را سر پا نگهداشته است. در سیستم قضائی جمهوری اسلامی رسما و قانونا بیگناهان اعدام میشوند. این اعدامها حتی بر مبنای معیارهای جوامعی که در آنها حکم اعدام مجاز است نیز یک جنایت تمام عیار محسوب میشود. اگر یک صدم این توحشی که تحت عنون قوانین قصاص و مفسد فی الارض و دادگاه و محاکمات شرعی و قضاوت جانیانی مانند قاضی مرتضوی در جامعه جریان دارد هر جای دیگر اتفاق میافتاد با شدید ترین اعتراضات حتی از جانب موافقین حکم اعدام روبرو میشد. جمهوری اسلامی مصداق کامل و بارز این حقیقت است که اعدام قتل عمد دولتی است. آنچه «خوبان» همه دارند این حکومت به تنهائی دارد! وقتی سنگسار و اعدامی در ایران صورت میگیرد از نظر انسانی، از نظر حقوقی و قضائی، و از نظر سیاسی یک جنایت مدهش اتفاق افتاده است. و سراسر تاریخ این حکومت مشحون از چنین جنایاتی است.  حکم اعدام باید لغو شود و نباید در هیچ شرایطی مجاز شمرده شود. امروز اعدام در بسیاری از کشورهای اروپائی لغو شده است و در ایران نیز میتواند و باید لغو شود. اما روشن است که در ایران مبارزه برای لغو اعدام مبارزه ای مستقیما سیاسی و بلاواسطه علیه رژیم جانی حاکم است. همانطور که اشاره کردم این حکومت با اعدام و سنگسار و قصاص خود را سر پا نگاهداشته است و لذا مبارزه علیه اعدام یک تعرض سیاسی موثر به موجودیت کل این حکومت خواهد بود. ازاینرو برای جنبش سرنگونی و برای توده مردمی که برای بزیر کشیدن این حکومت لحظه شماری میکنند مبارزه علیه اعدام یک عرصه مهم و تعیین کننده است. حزب ما مدتهاست پرچم این مبارزه را برافراشته است. |
|  |